

طاهره ظفری پور^۱

محبوبه عارفی^۲

مقدمه

آموزش همچون سایر نظام‌های اجتماعی از پیچیدگی‌ها و مسائل خاص خود برخوردار است. یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین حیطه‌های تصمیم‌گیری در نظام آموزشی، حیطه برنامه‌های آموزشی و درسی است (عارفی، ۱۳۸۹) در واقع برنامه درسی^۳ به‌عنوان یکی از ارکان اساسی و حیاتی نظام آموزشی هست.

برنامه‌های درسی مهم‌ترین و شاید اساسی‌ترین مؤلفه نظام آموزش عالی است (دیبواوآجاری و همکاران، ۱۳۹۰). مهرمحمدی (۱۳۸۱) بیان می‌کند که برنامه درسی ریشه در واژه لاتین currere دارد که به معنای میدان مسابقه یا میدانی برای دویدن است (نوروززاده و فتیحی و آجارگاه، ۱۳۸۷). برنامه درسی یک مدرسه، یا دوره یا یک کلاس درس، به‌عنوان یک مجموعه‌ای از رویدادهای برنامه‌ریزی‌شده است که هدف آن پیامدهای آموزشی برای یک یا چند دانش‌آموز است (آیزنر^۴، ۲۰۰۲). هرث^۵ ۱۹۷۶ بیان می‌کند برنامه درسی اشاره به دوره‌ای است که دانش‌آموزان در حال تحصیل هستند. از دیدگاه کانللی و کلندینین^۶ (۱۹۸۸) برنامه درسی می‌تواند به‌عنوان تجربه زندگی فردی مورد توجه قرار گیرد. اما در رابطه با برنامه درسی و برنامه‌ریزی درسی^۷ مهرمحمدی عنوان کرده است که برنامه‌ریزی درسی معرف یکی از ابعاد رشته برنامه درسی است و تنها ناظر بر فرایند تدوین برنامه است (مهرمحمدی، ۱۳۹۳) و در نهایت طراحی برنامه درسی^۸، شکل مدون و یا ساختار برنامه درسی است. و هر برنامه درسی در بردارنده طرحی خاص است که در درون آن نهفته است (مهرمحمدی، ۱۳۹۳) که در ادامه مورد بحث قرار می‌گیرد.

معنا و مفهوم طراحی برنامه‌درسی

برنامه‌درسی یک رشته مطالعاتی نظری و عملی است، طراحی برنامه‌درسی یک سرمایه‌گذاری هنری، یک رویداد سیاسی و یک تمرین ارزش محور است. طراحی برنامه‌درسی طبیعتی سیاسی دارد، تلاشی برای تسهیل ایده دیگران به زندگی

^{۱۱} کارشناس پژوهشی مرکز تحقیقات ارزشیابی، اعتبار سنجی و تضمین کیفیت آموزش عالی در سازمان سنجش

^۲ دانشیار دانشگاه شهید بهشتی

^۳ Curriculum

^۴ Eisner

^۵ Hirst

^۶ Connelly and Clandinin

^۷ Curriculum development

^۸ Curriculum design

خوب است. در واقع طراحی برنامه‌درسی با ایجاد فرایندهای اجتماعی و ایجاد محیط برای یادگیری، نوعی "اتوپیانسیم"^۱ است که شکلی از فلسفیدن و تئوری سازی سیاسی و اجتماعی است که به‌نوعی در سازمان‌دهی تفکر به افراد کمک می‌کند و توانایی آن‌ها را در برقراری ارتباط با دیگران افزایش می‌دهد (مک کرانن، ۲۰۰۸). مسئله برنامه‌درسی و طراحی برنامه‌درسی تعیین اهداف برای دانش‌آموزان و سپس طراحی کردن دوره‌هایی برای رسیدن به آن اهداف نمی‌باشد، در واقع مسئله برنامه‌درسی هدایت دانش‌آموزان به درک چیزهایی است که در زندگی اهمیت دارند. یک برنامه‌درسی که واقعا آموزشی باشد دانش‌آموزان را به نتایج پیش‌بینی نشده هدایت می‌کند (مک کرانن، ۲۰۰۸)؛ به نقل از پینار^۲ (۲۰۱۷) برنامه‌درسی از یادگیری معنی‌دار گرفته‌شده است و تجربیاتی است مانند هنر، بیان شفاهی و سایر جنبه‌های آموزش که با آزمون مداد کاغذی قابل اندازه‌گیری نیست (ناس و فرانگا^۳، ۲۰۱۷).

جاکوینز^۴ طرح برنامه‌درسی را "روش جمع‌آوری اطلاعات درباره برنامه‌درسی عملیاتی در یک مدرسه یا منطقه که به‌طور مستقیم به زمان اشاره دارد" تعریف می‌کند. طراحی در برنامه‌درسی، همان‌طور که از نامش برمی‌آید، همه‌چیز را در همه زمینه‌های موضوعی که یک معلم باید در یک سال تحصیلی مورد پوشش قرار دهد را نشان می‌دهد (گلکس^۵، ۲۰۰۷). صاحب‌نظران و متخصصان حوزه برنامه‌درسی از جنبه نظری با عنایت به اقدامات عملی، برنامه‌درسی را به دو بخش طراحی برنامه‌درسی و برنامه‌ریزی درسی تفکیک کرده‌اند. وقتی در حوزه برنامه‌درسی، عناصر تشکیل‌دهنده یک برنامه‌درسی را با توجه به چگونگی تصمیم‌گیری در مورد این عناصر تشخیص می‌دهیم و تعیین می‌کنیم وارد مقوله طراحی برنامه‌درسی شده‌ایم (کلاین^۶، ۱۹۹۱). یکی از رایج‌ترین تعاریف را در این زمینه هیلدا تابا^۷ (۱۹۶۲) مطرح کرده است که طراحی برنامه‌درسی بیانیه‌ای است که عناصر برنامه‌درسی را مشخص می‌کند و بیان می‌کند که چه ارتباطی با یکدیگر دارند و اصول و الزامات آن سازمان را برای شرایطی که تحت آن عمل می‌کند، نشان می‌دهد، عناصر برنامه‌درسی از نظر تابا شامل اهداف، محتوا، تجارب یادگیری، استراتژی‌های آموزشی و ارزیابی است؛ این عناصر از نگاه سایر صاحب‌نظران عبارت از: تایلر^۸ (۱۹۹۴) اهداف و مقاصد، تجربیات یادگیری، سازمان دادن و ارزشیابی، زایس^۹ (۱۹۷۶) هدف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری و روش‌های ارزشیابی، بوشامپ^{۱۰} (۱۹۸۱) بیان هدف و مقصود، محتوا، کاربرد و ارزشیابی، آیزنر (۱۹۸۵) هدف، محتوا، انواع فرصت‌های یادگیری، سازمان دادن محتوا، روش ارائه و پاسخ و ارزشیابی، گودلد^{۱۱} (۱۹۷۹) و کلاین (۱۹۹۱) اهداف و مقاصد، محتوا، مواد و منابع، فعالیت‌ها، راهبردهای تدریس، ارزشیابی، گروه‌بندی و زمان می‌باشد (عابدی کرجی‌بان، شعله‌کار، ۱۳۹۴).

^۱ utopianism

^۲ Pinar

^۳ Ness, Daniel & Farenga, Stephen

^۴ Jacobs

^۵ Gillies

^۶ Klein

^۷ Taba, Hilda

^۸ Tyler

^۹ Zais

^{۱۰} Beauchamp

^{۱۱} Goodlad

همچنین از نظر کلاین (۱۹۹۱) طراحی برنامه درسی، شکل مدون و یا ساختار برنامه درسی است. سازمان و یا ساختار برنامه درسی به سبب دو گونه تصمیم گیری، در دو سطح فراگیر یا عام که ناظر به تصمیم گیری در خصوص مبانی ارزشی است و خاص و یا جزیی که ناظر بر تصمیم گیری های روشی و فنی در خصوص برنامه ریزی و چگونگی اعمال عناصر برنامه شکل می گیرد (عابدی کرجی بان، شعله کار، ۱۳۹۴).

هر برنامه درسی در بردارنده طرحی خاص است که در درون آن نهفته است، خواه فرد برنامه ریز به طور صریح و آشکار با یکایک عناصر تشکیل دهنده برنامه و روابط میان آن ها برخورد کند و تصمیم های لازم را گرفته باشد؛ و یا اینکه بدون توجه به نوع طراحی که در برنامه ریزی به کار رفته است، به طور سطحی تصمیم هایی ناسنجیده درباره برخی عوامل برنامه گرفته باشد، اگر تصمیم های گرفته شده درباره نوع منابع اطلاعات مورد استفاده و عناصر برنامه، با یکدیگر سازگاری داشته باشد، برنامه درسی همخوانی درونی را دارا است و از بیشترین توان برای اثر گذاری مطلوب بر دانش آموزان برخوردار است. برعکس چنانچه با منابع اطلاعاتی و عناصر برنامه به طور یکنواخت برخورد نشود و تصمیم ها در این دو سطح هیچ گونه رابطه تعریف شده و روشنی با یکدیگر نداشته باشد، طرح برنامه درسی گنگ و نامفهوم خواهد بود و در نتیجه از توان اثر گذاری بر دانش آموزان کاسته خواهد شد (مهر محمدی، ۱۳۹۳). دو رویکرد عمده آموزش تجربی (تقویت دانش - آموزان از طریق فعالیت های ترغیب کننده) و آموزش نظام دار (روش افزایش اثربخشی تعاملات معلم و دانش آموز) در برنامه ریزی، فرایند طراحی را هدایت می کند (آنابل^۱، ۱۳۹۴). در نهایت طراحی برنامه درسی باید بر تصمیم گیری های آگاهانه و روشن بینانه مبتنی باشد، الگوی برنامه ریزی که در نهایت انتخاب می شود، باید بر هدف ها و نتایج مورد نظر برای برنامه منطبق باشد (مهر محمدی، ۱۳۹۳).

منابع اطلاعات طراحی برنامه درسی

منابع اصلی اطلاعاتی برای برنامه ریزی درسی به عنوان مبانی تصمیم گیری، در سه گروه دسته بندی می شود (مک کرانن، ۲۰۰۸) و (مهر محمدی، ۱۳۹۳).

موضوع های درسی مدون: این موضوع ها منعکس کننده عقل جمعی بشر و نمایانگر میراث فرهنگی آدمیان است. استفاده از موضوع های درسی مدون به عنوان اصلی ترین منبع اطلاعاتی در طرح برنامه، ایجاب می نماید تا محتوای برنامه، بر یک سازمان دهی منطقی تأکید داشته باشد. انتخاب و سازمان دهی محتوا به عنوان یکی از مهم ترین وظایف برنامه ریز تلقی می شود. برنامه درسی از پیش برای دانش آموزان تعیین و مشخص می گردند، به طرزیکه بتوان محتوایی را که متشکل از مجموعه ای بانظم منطقی است به نحوی مؤثر و کارآمد به دانش آموز آموخت (مهر محمدی، ۱۳۹۳). در این ایده خروجی یا "محصول" آموزش و پرورش مبتنی بر تغییر رفتار در دانش آموزان است (مک کرانن، ۲۰۰۸).

در سازمان دهی محتوای برنامه با این منبع اطلاعات، دو موضوع وسعت و توالی منطقی موضوع ها اهمیت دارد. منابع و ابزار یادگیری، بر مبنای ارائه محتوا در غایت سازمان یافتگی به دانش آموز، انتخاب یا تهیه می شود. کتاب، رایج ترین نوع از منابع

^۱ Annabelle

و ابزار یادگیری در این گونه طرح است. فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموزان طوری طراحی می‌شود که ارتباطی مستقیم بین آن‌ها، هدف- اعم از صریح و ضمنی- و جهت‌گیری‌های برنامه برقرار باشد. راهبردهای تدریس اغلب به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از فعالیت‌های دانش‌آموزان با توجه به همان مقاصد طرح‌ریزی می‌شوند. ارزشیابی در فواصل زمانی مختلف انجام می‌شود. در این گونه ارزیابی، اغلب تأکید بر اندازه‌گیری‌های کمی است و گهگاه نیز تنها از اندازه‌گیری رفتارهای قابل‌مشاهده حمایت می‌شود. فضا در این نوع از طرح برنامه درسی، اغلب محدود به فضای کلاس درس است؛ هرچند از فضاهایی دیگر همچون کتابخانه‌ها، مراکز دیداری و شنیداری، اتاق موسیقی یا هنر و یا آزمایشگاه‌های ریاضی و علوم، ممکن است استفاده شود (مهرمحمدی، ۱۳۹۳). در واقع فناوری و منابع مؤثر در دستیابی به نتایج مشخص شده کمک می‌کنند (مک کرانن، ۲۰۰۸). در مزایای این منبع اطلاعات، بر سازمان‌یافتگی منطقی محتوا و شناخته شدن آن به‌عنوان نوع سنتی الگوی برنامه‌ریزی، تأکید می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۹۳).

دانش‌آموزان: نیازها و علایق، توانمندی‌ها و تجربه‌های گذشته دانش‌آموز، به‌عنوان مبنای تصمیم‌گیری در خصوص عوامل برنامه‌درسی انتخاب می‌شود (مهرمحمدی، ۱۳۹۳). برخی معتقدند که طراحی باید بر اساس کودک یا دانش‌آموز باشد و منبع برنامه درسی، نیازها، منافع و توسعه انسانی فرد است. توجه به دانش‌آموز، به‌جای موضوع، به‌عنوان یک منبع برای برنامه‌ریزی با متفکران مانند اراسموس^۱، روسو^۲، فروبل^۳ و پستالوژی^۴ آغاز شد (مک کرانن، ۲۰۰۸). موضوع‌های درسی به ابزاری بدل می‌شوند که دانش‌آموزان، مسائل مشتق شده از علایقشان را از آن طریق پیگیری می‌کنند. برنامه درسی در حد‌اعلای انعطاف‌پذیری و فردمحوری قرار دارد. ارزش این نوع طرح برنامه درسی در آن است که به دانش‌آموز می‌آموزد چگونه تعیین‌کننده تعلیم و تربیت خویش باشد. انواع فراوانی از موارد و منابع آموزش موردنیاز است تا به دانش‌آموز فرصت تفحص و تنظیم برنامه خود را بدهد. فعالیت‌های یادگیری را خود دانش‌آموزان و یا با مشورت معلم و دانش‌آموزان برنامه‌ریزی و انتخاب می‌کنند. معلم به‌عنوان شریک دانش‌آموز در یادگیری و تسهیل‌کننده جریان یادگیری برای وی ظاهر می‌شود. معلم زمان را به‌صورت انعطاف‌پذیر و از پیش تعیین‌شده نگاه می‌دارد. فضای آموزشی نیز چون عامل زمان، از پیش سازمان‌یافته و تعریف‌نشده است. انگیزه‌های درونی دانش‌آموزان برای یادگیری، طرح برنامه‌ها به گونه جریان‌های پرتحرک و فعالیت‌زا و نه انفعالی برای دانش‌آموزان، لحاظ کردن تفاوت‌های فردی و پرورش مهارت-های فرایندی را در دانش‌آموزان از مزایای این منبع اطلاعات می‌باشد (مهرمحمدی، ۱۳۹۳).

جامعه: استفاده از این منبع اطلاعاتی، به برنامه درسی خاصی منجر خواهد شد که ارزش آن به‌عنوان شیوه‌ای برای فهم و اصلاح جامعه مدنظر است. محتوای برنامه درسی، از زندگی جامعه و یا جوامع بشری برگرفته می‌شود. منابع و ابزار آموزشی در حد‌اعلای تنوع موردنیاز است و منابع موجود در جامعه و مدارک و اسناد اصیل، بر کتاب‌های درسی ترجیح دارند. ارزشیابی آموزشی بیشتر به سمت شیوه‌هایی که مشارکت و همکاری معلم و دانش‌آموزان را با یکدیگر می‌طلبد،

^۱ Erasmus

^۲ Rousseau

^۳ Froebel

^۴ Pestalozzi

گرایش دارد. فعالیت‌های آموزشی دانش‌آموزان بر اساس یک برنامه‌ریزی مشترک بین معلم و دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. راهبردهای تدریس متناسب با این الگو، آنچه معلم در آن نقش یک عنصر فراهم‌کننده تسهیلات را دارد و در استفاده از راهبردهایی که مستلزم پذیرش نقشی تمام‌کننده و حاکمانه از سوی معلم است، باید پرهیز شود. فضای آموزشی دربرگیرنده کلیه امکانات مدرسه و جامعه است. زمان نیز یکی از امکانات عمومی مطرح است که دانش‌آموزان به اقتضای مسئله مورد مطالعه از آن استفاده می‌کنند. دربرشماری مزایای این منبع اطلاعات برنامه‌ریزی درسی، بر یکپارچگی و کاربردی بودن محتوای برنامه تأکید می‌شود موضوعهای درسی در یکدیگر ادغام می‌شوند و در خدمت مسائل مورد مطالعه قرار می‌گیرند (مهرمحمدی، ۱۳۹۳). برنامه درسی برای حل مشکلات اجتماعی مانند نژادپرستی، نابرابری، تروریسم و غیره در این منبع اطلاعات قرار دارد (مک کرانن، ۲۰۰۸).

به نقل از مهرمحمدی (۱۳۹۳) علاوه بر موارد فوق، "طرح قابلیت‌های خاص" با تأکید بر هدف‌های رفتاری به‌عنوان معرف آنچه دانش‌آموزان نیازمند فراگیری آن هستند، "طرح مهارت‌های فرایندی" با تأکید بر جریان‌هایی که به موضوع‌های درسی خاصی مربوط نمی‌شوند، "دیدگاه انسان‌گرایانه از فرد" در مقابل الگوی تربیتی گرفته‌شده از صنعت و فناوری، که بارزترین نوع آن در طرح برنامه درسی مبتنی بر موضوع‌های درسی مجزا منعکس است، "طرح مبتنی بر مسائل اساسی" با ویژگی برنامه‌ریزی اشتراک موضوع‌هایی که دانش‌آموزان فرامی‌گیرند، نیز مورد توجه می‌باشد.

در پایان این نکته قابل ذکر است که منابع اطلاعاتی مبنای تصمیم‌گیری برای برنامه‌ریزی درسی است در واقع طراحی برنامه‌درسی تحت تأثیر رویکرد طراح به برنامه درسی می‌باشد اینک طراح چه دیدگاهی به یادگیری و یادگیرنده دارد چه ادراکی از جهان و محیط دارد و دانش، جامعه و یادگیرنده در کجای آن قرار می‌گیرد در انتخاب منبع موثر خواهد بود. همان‌گونه که مهرمحمدی (۱۳۹۳) نیز بیان می‌کند اینک کدام یک از منابع اطلاعاتی را به‌عنوان مبنای انحصاری و یا اولیه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ریزی انتخاب شوند، متأثر از نظام ارزشی مورد قبول شخص برنامه‌ریز است که در حقیقت بیانگر پاسخ او به این سؤال است که "یک برنامه درسی به چه گونه‌ای از رشد و کمال، در دانش‌آموز می‌باید کمک کرده و یا آن را محقق سازد؟"

بنابراین فارغ از دانش تخصصی برای طراح برنامه‌درسی، کسب توانایی در مواردی همچون پژوهش و نظریه‌پردازی، نقد و تحلیل، ارائه راهبرد و ارزشیابی، نیز حائز اهمیت می‌باشد که به‌نوعی علاوه بر تسهیل ارائه یک برنامه درسی مطلوب، زمینه‌ساز رشد حرفه‌ای برنامه‌ریز درسی نیز می‌باشد.

منابع

- آنابل نلسون (۱۳۹۴) طراحی برنامه‌درسی. مترجم: یوسف رضاپور. تهران: انتشارات سمت.
- دیبا واجاری، طلعت؛ یمنی دوزی سرخابی، محمد؛ عارفی، محبوبه و فردانش هاشم (۱۳۹۰) مفهوم‌پردازی الگوهای برنامه‌ریزی درسی آموزش عالی (تجربیات و دستاوردها) پژوهش در برنامه‌ریزی درسی سال هشتم، دوره دوم، شماره ۳۰ پاییز ۱۳۹۰.

عابدی کرجی بان ، زهره . شعله کار شیما (۱۳۹۴) برنامه درسی طراحی، اجرا و ارزشیابی " ویژه معلمان، دانشجویان تربیت معلم، کارشناسان ". تهران: انتشارات آوای نور

عارفی، محبوبه (۱۳۸۹) مباحثی در مهندسی برنامه های درسی میان رشته ای در آموزش عالی. فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم انسانی، سال دوم، شماره ۸. ص ۹۴-۶۹.

مهرمحمدی محمود و همکاران (۱۳۹۳). برنامه درسی نظرگاه ها، رویکردها و چشم اندازها. تهران: انتشارات به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)

نوروززاده، رضا، فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۷). درآمدی بر برنامه درسی دانشگاهی، انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی.

Eisner, Elliot (۲۰۰۲). Educational Imagination on the Design and Evolution of School Programs. Third Edition. Macmillan College Publishing Company.

Glass, Kathy Tuchman (۲۰۰۷) curriculum mapping a step- by step guide for creating curriculum year overviews. Copyright by Corwin press

McKernan, James (۲۰۰۸) Curriculum and Imagination Process theory, pedagogy and Action research. Published by Routledge

Taba, Hilda (۱۹۶۲) Curriculum Development: Theory and Practice. New York: Harcourt, Brace & World.

Ness, Daniel & Farenga, Stephen J. (۲۰۱۷) Alternatives to Privatizing Public Education and Curriculum: Festschrift in Honor of Dale D. Johnson. Publisher: Taylor & Francis